دوست دارد یار این آشفتگی

شماره پرسش: ۴۲۲۲۴

تاریخ ارسال پرسش: ۰۱:۴۷:۰۵ ۱۴۰۵/۶/۱۰

متن پرسش

سلام علیکم: استاد در عالم که جز خدا وجود ندارد، و همه چیز از خداست؛ از وجود است و همان خدا هم ظلمت می آفریند و هم نور، چگونه می‌شود که بخواهد یکی را بر دیگری غلبه دهد؟ در تاریخ هم نیز که همیشه اصحاب نور در اقلیت بودند تا حدی که در ادعیه به خدا بخاطر قلت عدد و کثرت عدوّ شکایت شده. آنچیزی که تعبیر به نفاق شده به تعبیر انسانی اش، در خدا در حد اعلی است که هم وجود دهنده نور است و هم وجود دهنده ظلمت. و تضاد و اختلاف و دشمنی نیز در همین ظهور اسماء الهیست که تا قیام قیامت نیز خواهد بود که در اصحاب بهشت و جهنم اند. چرا اینگونه است؟ اساسا مگر می‌شود شما هم به فرزندتان صلاح بدهید که مراقب خود باشد و هم به کسی بگویید که او را اذیت کند؟ و مگر می‌شود برفرض اینکه اگر شما هم عامل محافظت بودید و هم عامل اذیت، فرزند شما بتواند از خود محافظت کند؟ و حال این مثالی که زدم او پدر بود و این خدا که صاحب همه چیز است و فرار از حکومت او معنایی ندارد و عملا هیچ راه کاری برای در آمدن از این تضاد نیست. چرا اینگونه است؟ اگر اینگونه است که این را به خود بقبولانیم و با نگاه دیگری زندگی را معنا ببخشیم و برنامه بریزیم و در صحنه اجتماع به گونه دیگری حاضر شویم در عین دین داریمان. (البته با این سوالاتی که پرسیدم بگمانم فلاسفه غرب اینچنین دارند زندگی می‌کنند و مبنای فکریشان همینست که به عنوان مثال فرزند آوری را نتیجه تضاد می‌دانند؛ نتیجه تز و آنتی تز می‌دانند که می شود سنتز) والله اعلم. ما که پدرمان سوخت از بس که فکر کردیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! همین‌که عالم ماده خلق شود، بُعد و فاصله خلق شده است بدون آن‌که خداوند فاصله و بُعد را مستقیماً خلق کرده باشد. در مورد ظلمت نیز قصه همین طور است که به اصطلاح به گفتهٔ شهید مطهری عزیز آن عالم فرهیخته در کتاب «عدل الهی» ظلمات به تبع نور خلق شده است نه به طور استقلالی. می‌ماند که به هر حال جهان امتحان و جهان ابتلاء باید چنین باشد که در دل همین سختی‌ها انسان‌ها به تعالی می‌رسند. پس بنابراین خداوند می‌داند در نظام خلقت خود چنین می‌شود که می‌فرمایید. ولی «دوست دارد یار این آشفتگی» تا در دل همین،همین آشفتگی‌ها، بشریت معنای خود را جستجو کند. موفق باشید